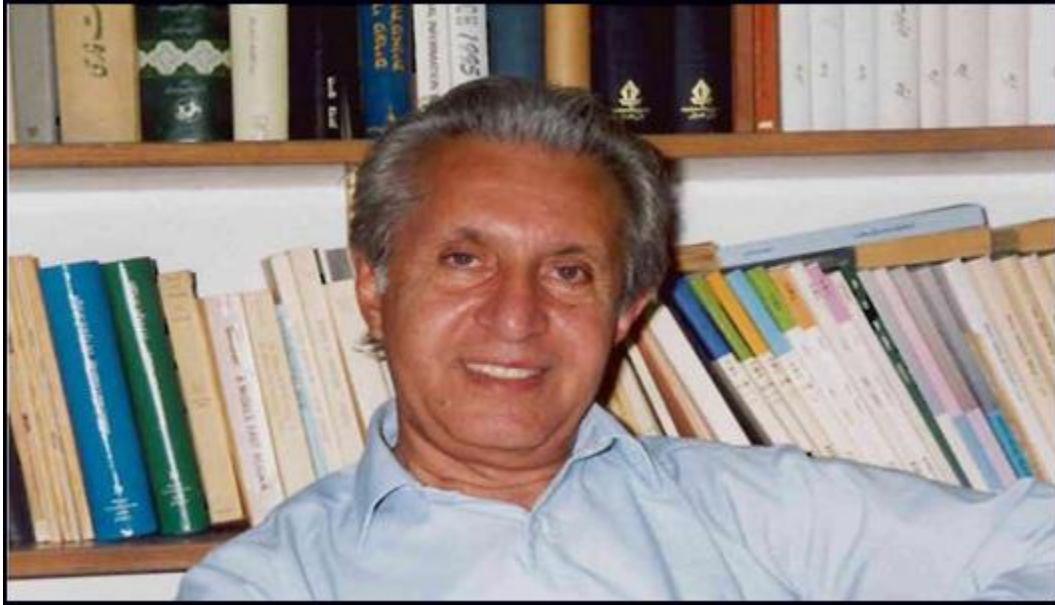


بخش سوم

اماکن مقدس یهودی

در ایران زمین



پروفسور نـتـصـر در این بخش از کتاب
به شرح اماکن مقدس یهودی
در خاک ایران می پردازد
که شمار آن ها در خارج از خاک
اسرائیل بی نظیر است

گفت و گوی سوم

مقدسین یهود چگونه به ایران رسیدند و در همانجا نیز خاک شدند؟



نقشه ایران امروز و اماکن مقدس یهودی در شهرهای مختلف کشور

پرسش - سخن از اماکن مقدس یهودی در ایران زمین است و ما از شما پرسیدیم که اصولاً چه شد که یهودیان به ایران رسیدند و در این سرزمین سکونت گزیدند و شما توضیحات روشنگرانه ای در این مورد در اختیار علاقمندان قرار دادید و در ضمن گفتید که زیارتگاه های یهودی در ایران نه تنها مورد احترام و تقدس یهودیان قرار دارد،

بلکه مسلمانان نیز به آن ها احترام می گذارند و حتی به زیارت می آیند و نذر می کنند و حاجت می طلبند. حالا پرسش اساسی ما این است که چگونه مقدسین یهود گذارشان به ایران افتاد و در این سرزمین زیستند و مدفون شدند؟

پاسخ - پاسخ بسیار ساده است، به خاطر آن که نباید دوران باستان منطقه ای را که اکنون خاورمیانه نامیده می شود به صورت امروزی آن نگاه کنیم. دو هزار و پانصد سال پیش نقشه جغرافیائی این منطقه به کلی متفاوت بود. مرزهایی که امروز وجود دارد، کشورهای امروزی منطقه چون اردن و سوریه و مصر و لبنان و عراق و عربستان سعودی و کویت و امارات عربی، هیچ یک در دوران باستان وجود نداشته است.

منطقه ای که من از آن سخن می گویم و آن را دنیای گذشته می خوانم، در واقع بخش عمده ای از امپراتوری ایران را تشکیل می داد و این سرزمین ها قسمتی از گستره فرهنگی ایران زمین محسوب می شد. در این جا منظور من به طور عمده گستره جغرافیائی غرب امپراتوری ایران است و این در حالی که ایران بزرگ در آن دوران گستره ای بسیار فراتر از مرزهای سیاسی و جغرافیائی امروز داشته است.

شما از دریاچه آرال در خاک روسیه قدیم بگیریید تا خلیج فارس و بعد سرزمین افغانستان را نیز به آن اضافه کنید، زیرا استقلال افغانستان در واقع از دوره ناصرالدین شاه آغاز شد و تا پیش از آن، خاک افغانستان بخشی از گستره ایران بود که البته من بیشتر روی فرهنگ ایرانی تکیه دارم. می خواهم بگویم که در بسیاری از سرزمین هائی که در آن روزگاران تحت تسلط ایران بود، مردم هنوز به زبان فارسی و یا به یکی از زبان های ایرانی سخن می گویند.

به عنوان مثال، زبان نیمی از مردم افغانستان دری است، در تاجیکستان و بخشی از ازبکستان به زبان تاجیک سخن می گویند، در داغستان به زبان تات صحبت می کنند، و در جمهوری آذربایجان امروز در بخش های نخچوان و شیروان و مناطق دیگر به زبان هائی حرف می زنند که همه آن ها شاخه هائی از زبان های ایرانی هستند.

شما می پرسید مقدسین یهود چگونه به ایران رسیدند و پاسخ من آن است که شما در دوران باستان به هر نقطه ای در این منطقه که پای می گذاشتید، عملاً بخشی از ایران بود. ولی امروز وقتی از خاک ایران سخن می گوئیم، مرزهای آن مشخص است و همگان گستره آن را می دانند.

پرسش - وقتی به شرق می نگریم، آیا می توان گفت که مرزهای امپراتوری ایران در آن دوران از هند آغاز می گردید؟

پاسخ - بله، همین گونه است و پاکستان امروز بخشی از ایران بوده و زبان اردو مخلوطی از هندی و فارسی است و گرچه دستور زبان آن هندی است، ولی بسیاری از واژه های آن ریشه ایرانی دارد. یادآوری کنم که نام دو تن از سران پاکستان ریشه کاملاً ایرانی دارد. نام پروز

Parvez مشرف پاکستانی از پرویز فارسی می آید. در واقع تلفظ درست تر همان پرویز است و نه پرویز، زیرا در زبان پهلوی و در دوره ساسانیان نیز آن را پرویز تلفظ می کرده اند. و یا خانم بی نظیر بوتو که او را بنظیر Benazir می خوانند که "بی" به مفهوم بدون، در تلفظ درست فارسی باستان "ب" بوده است. این نمونه کافی است ما را به این نتیجه برساند که گستره ایران، دست کم از نظر فرهنگی، در مقایسه با امروز بسیار وسیع تر بوده است.

پرسش - حالا اگر از مرزهای غربی ایران باستان سخن بگوئیم، در واقع بین النهرین و سوریه و سرزمین اسرائیل (فلسطین) تا مرزهای مصر و شبه جزیره سینا بخشی از امپراتوری ایران بوده است.

پاسخ - مرزهای ایران آن روز بسیار فراتر از این بود زیرا تا مرکز لیبی نیز تسلط ایرانیان احساس می شد و هنگامی که از حضور ایران در مصر سخن می گوئید، عملاً باید ادامه دهید و به مرز سودان برسید. ایران آن دوران بسیار وسیع بوده و حتی شبه جزیره عربستان و یمن و نقاط دیگر را نیز شامل می شده است.

البته بخش عظیمی از این سخنانی که گفتم به گستره سیاسی و جغرافیائی امپراتوری ایران مربوط می شود، و این در حالی که موضوع سخن من گستره فرهنگی ایران و ایرانی است. توجه من به آن است که زبان فارسی و یا زبان های ایرانی در کدام نقاط تکلم می شده است. البته توجه دارید که خود فارسی نیز یکی از زبان های ایرانی است. تازه خود زبان های ایرانی نیز شاخه ای از زبان های هندواروپائی هستند.

با توجه به این توضیحات، پاسخ به پرسش شما که مقدسین یهودی از کجا و چگونه به ایران رسیدند آن است که آن ها به طور طبیعی در این سرزمین هائی که می توان گفت کاملاً ایرانی بوده سکونت داشته و زندگی می کرده اند. بیائید شهر شوش را مثال بزنیم که آرامگاه حضرت دانیال در آن قرار دارد: شوش از دوران پیش از هخامنشیان، در دوره ایلامی ها، یک شهر بزرگ و توسعه یافته و آباد بوده است.

نمونه دیگر شهر همدان (اکباتان یا هگمتانه) که آرامگاه استر و مردخای در آن قرار دارد، در دوران مادها رونق بسیار داشت. اکباتان در صحیفه "عزرا" در کتاب مقدس به عنوان "هخمتاتا" آمده و بخشی از سرزمین مادها بوده است.

می خواهم نکته دیگری را نیز بگویم که امیدوارم به اعراب بر نخورد: حتی واژه "بغداد" یک نام کاملاً ایرانی است و در فرس قدیم هخامنشی "باگا داتا" تلفظ می شده است که به مفهوم "خداداده" می باشد. واژه "خدا" گاهی هم "باغا" تلفظ می شده است. وقتی می گویند "حسن بیگ" یا "دریابیگ" واژه "بیگ" نیز به مفهوم صاحب و یا خداوندگار است که از منشعبات زبانی واژه "باگا" می باشد. البته در کتاب اوستا برای خداوند، بیشتر واژه "ایزد" به کار رفته است.

جان کلام آن است که اگر شما اسامی جغرافیائی برخی شهرک ها و آبادی های امروز عراق را نگاه کنید، می بینید که بسیاری از آن ها ریشه ایرانی دارند.

پرسش - از این توضیحات سپاسگزاری می کنیم و پیش از آن که وارد جزئیات هر یک از اماکن مقدس یهودی در ایران شویم، یک تصویر کلی ارائه دهید و بگوئید که این اماکن در کدام بخش های ایران قرار گرفته است.

پاسخ - مهمترین نام اصفهان است. در کنار آن می توان از شهر همدان، و از شوش و تویسرکان و قزوین و گیلارد (در هفتاد کیلومتری شمال تهران) نام برد. اما در کنار آن ها، اماکن مقدس دیگری هم داریم که گرچه با پیامبران دوران کتاب مقدس ارتباط مستقیم پیدا نمی کند، ولی مزار صاحبان کرامت است. مثلاً در یزد، یهودیان دارای زیارتگاه "اُر شرگا" هستند و در کاشان نیز یک مکان مقدس برای یهودیان به نام مزار "ملا مُشه هَلوی" وجود دارد. درباره هر یک از این اماکن به صورت مشروح سخن خواهیم گفت.

پرسش - یک پرسش کنجکاوانه دارم: تمام شهرهایی که نام بردید در غرب ایران و در مرکز کشور قرار دارد و شما نامی از شرق ایران نیاوردید؟ چگونه است؟

پاسخ - علت ساده آن است که یهودیان می کوشیدند از مراکز قدرت و حکمرانی دور نباشند تا از امنیت نسبی بیشتری برخوردار گردند. یهودیان در پاسارگاد می زیستند که مرکز حکومتی بود - و یا شهر همدان را برگزیده بودند که پایتخت تابستانی شاهان هخامنشی بود. یا شهر شوش، که پایتخت زمستانی پادشاهان در دوران هخامنشی بود. در یک کلام تلاش یهودیان آن بود که از مراکز حکومتی و شاهنشاهی دور نباشند - گرچه در روایات مختلف گفته شده که هستند یهودیانی که پیش از اسلام در نقاط ظاهراً دور دستی مانند خراسان زندگی می کرده اند. فراموش نکنید که خراسان بزرگ، مناطقی چون بخارا و افغانستان را نیز شامل می شده است. ولی از نظر پراکندگی جغرافیائی اماکن مقدس یهود، سخن شما درست است که اماکن مقدس یهودی همگی در مرکز و غرب ایران قرار دارد.

پرسش - آیا این امر به مفهوم آن است که میزان سلطه پادشاهان ایران بر نواحی دوردستی مانند پاکستان امروز و جنوب افغانستان قوی نبوده است؟

پاسخ - نه نمی توانم بگویم که قوی نبوده است، ولی احتمال زیاد می رود که تاریخ نویسان عمده توجه خود را معطوف مراکز حکومتی ایران کرده بودند. شاید حکومت مرکزی در آن نواحی دوردست نیز قدرت هائی داشته است. به یاد آورید که کورش بزرگ در کجا کشته شد؟ او هنگامی که به سوی افغانستان و آن نواحی پیش می رفت به قتل رسید.

بیائید پادشاه دیگری را مثال بزنیم: یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی. او کجا کشته شد؟ در اطراف مرو و آسیای میانه بود که او را به قتل رساندند. یعنی، حتی پادشاهان نیز وقتی از مرکز دور می شدند، خود را به خطر می انداختند.

تصور می‌کنم که یهودیان بیشتر مایل بودند دور و بر مراکز قدرت پادشاهان باشند، زیرا این امر نوعی حمایت و سایه‌گسترانی به روی اقلیت یهودی بود - گرچه در مورد آن دوران نمی‌توان سخن از اقلیت و اکثریت گفت زیرا در آن دوران ناسیونالیسم آن گونه که امروز ما آن را می‌شناسیم، نیرو نگرفته بود.